

از لابلای یادداشت ها و نبشته های روزمره ام

## نظری گذرا بر نحوه و چگونگی سیاست جهانی در کشور ما

### خصوصیات ساختاری بازاریابی سیاسی

#### بررسی ماهیت چند مولفه ای

قبل از پرداختن به جزئیات مسأله مورد بحث، باید متذکر گردید که جغرافیای سیاسی که شاخه ای از علم جغرافیاست و به مطالعه و کالبد شگافی پدیده های سیاسی و نواحی متشکل و سازمان یافته سیاسی، از سطح خورد تا کلان می پردازد. قابل یادآوری می باشد که از دیدگاه علمی، موضوع و دانش جغرافیای سیاسی را کنش متقابل متغیر های سیاسی با متغیر های فضایی تشکیل می دهد. پس با توجه به آنچه اشاره شد، دو مولفه سیاست و فضا از مفاهیم اساسی این رشته اند که شناخت شاخص های آنها از مهمترین اقدامات زیربنایی در درک پدیده های سیاسی- فضایی بشمار می آید.

فضا را میتوان عرصه سه بعدی که دارای هویت، ساختار، سیستم ها و مرزهای مشخص است و مقیاس های مختلف و چشم انداز پویا دارد و قلمرو زندگی، تحرک، احساس، آرمان و فعالیت انسان ها را تشکیل می دهد، به حساب آورد. اما سیاست متأثر از ایدئولوژی های گوناگون عبارت است از: مفاهیم و نهادهای سیاسی فرمانروا، فرآیند ها و ساز و کارهای تصمیم ساز که بر پایه نظام ارزشی پدید آمده اند و با پشتیبانی عامل قدرت مستتر در حاکمیت بر فضای جغرافیایی تأثیر می نهد و از آن تأثیر می پذیرند.

درین مقطع چندان بیمورد نخواهد بود اگر در مورد مسایلی از قبیل قدرت و مولفه های تشکیل دهنده آن، مسایل و موضوعاتی مورد مطالعه قرار گیرد. می توان پرسید که مولفه های اصلی و پایه یی قدرت کدامها اند تا افراد یا کشورها بمنظور افزایش قدرت خود به این مولفه ها دست پیدا کنند.

در آموزه های قدیمی بر عوامل عینی قدرت چون قدرت اقتصادی، نظامی و جمعیتی و یا حتی سوق الجیشی تأکید می شد، بطوریکه برخی از آن حتی سلطه یافتن بر منطقه خاصی را مترادف با قدرت اول در جهان بودن می دانستند یا دستیابی به سلاح معینی را به منزله داشتن چک تضمینی در برابر مطامع

دیگران نسبت به کشور خویش می پنداشتند. شاید این دیدگاه در مقاطعی از تاریخ چندان هم بیراه نبوده، حتی اگر اغراق آمیز هم تلقی گردد، اما تحولات رخ داده در سده های نهم و بیستم و حتی در اوایل سده بیست و یکم در عرصه جهانی و نظام بین الملل، موجب شده که آموزه های سنتی کم کم به حاشیه روند و عوامل جدیدی بمتابه مولفه های قدرت مطرح گردند.

در این مقطع بخاطرمی آوریم که پانزده سال قبل درست در همین روز (۱۱ ماه سپتامبر سال ۲۰۰۱) ایالات متحده از جانب دشمن ناشناخته بی مورد حمله قرار گرفت. وسایل اطلاعات جمعی از دستبرد یازده بال طیاره (بعداً چهاربال) خبر دادند که دویال طیاره به فاصله چهل دقیقه با برج های ساختمان ۱۱۰ طبقه بی مرکز تجارت جهانی برخورد نموده، یک بال طیاره در نزدیک پنتاگون سقوط نموده و طیاره چهارمی در ایالت پنسلوانیا دچار سانحه گردید. بدیهی است که هدف طیاره اخیرالذکر را قصر سفید و یا کنگرس ایالات متحده تشکیل می داد. خدمات ویژه ایالات متحده، عملاً در روز پس از حادثه به طبقه بندی اطلاعات داده شده مبادرت ورزید، اما این مسأله واضح نگردید که طیاره چهارمی توسط قوای دفاع هوایی ارتش ایالات متحده سرنگون گردید و یا با اقدام سرنشینان طیاره، این اقدام صورت گرفت، در صورت امکان اخیر، همه سرنشینان طیاره مزبور، با قربان نمودن و از دست دادن جانهای شان، و اشنگتن را از وقوع فاجعه دیگری نجات دادند. قرار اظهارات مدعی العموم ایالات متحده در این اقدام طیاره ربایی، ۱۸ نفر از تروریستان و بصورت مجموعی به تعداد ۵۰ نفر در حمله به ایالات متحده سهم داشتند. مطابق داده های ارائه شده توسط پولیس فدرال، به تعداد ۱۸ نفر متذکره، بصورت قانونی بمتابه مسافران عادی و اما درحالیکه سلاح های ابتدایی از قبیل چاقو و وسایل برنده را با خود حمل می نمودند، وارد هواپیماها گردیدند. در نتیجه حوادث یادشده، در ایالات متحده در حدود پنج هزار نفر از زندگی ساقط گردیده و به ارزش صدها میلیون دالر خساره بر آن کشور وارد گردید. پس از تردید مختصر در مورد، گردانندگان اداره ایالات متحده باین نتیجه رسیدند که اقدام تروریستی یادشده توسط اسامه بن لادن که در این زمان در افغانستان بود و باش داشت، سازماندهی و اجرا گردیده است، شخص بن لادن بصورت قطع شرکت در این اقدام را رد نموده و آنرا ساخته و پرداخته محافل معلوم الحال در ایالات متحده محسوب نمود.

اسامه بن لادن متولد سال ۱۹۵۷، هفدهمین فرزند از مجموع ۵۲ فرزند خانواده اش بود. مجموع سرمایه خانواده بن لادن به ۵۰-۶۰ میلیون دالر بالغ می گردد. اسامه بن لادن در حدود ۲۰۰-۵۰۰ میلیون دالر سرمایه خانواده را از طریق شرکت های متعلق به آن واقع در غرب اروپا در اختیار داشت. نامبرده راه مبارزه مسلحانه را طی سال های هشتاد در جریان جنگ در افغانستان علیه اتحاد شوروی پیشه نمود. وی فعالیت ها و آمادگی های منحصر بفردی را تحت نظر و رهبری مستقیم سازمان استخبارات مرکزی ایالات متحده (سیا) فرا گرفته و مدت زمان ده سال بمنظور تداوم "جنگ مقدس"، منابع وسیع مادی و تسلیحاتی ایالات متحده در اختیار نامبرده قرار گرفت. پس از عودت قطعات محدود نظامی شوروی از افغانستان به کشورشان، نامبرده به عربستان عودت نموده و بصورت واضح و آشکار علیه حامیان امریکایی آن کشور مبارزه را آغاز نمود. از آنجاییکه، سربازان امریکایی به بقای شان در عربستان تداوم بخشیدند، تندروان اسلام گرا، ایالات متحده را به "بی حرمتی در قبال مکه و مدینه" متهم نمودند. اسامه بن لادن به حمایت مالی از حملات تروریستی در سفارتخانه های ایالات متحده در کینیا و تانزانیا طی سال ۱۹۸۸ و همچنان درحمله به پایگاه نظامی ال-اخبر طی سال ۱۹۶۶ که در نتیجه بتعداد ۲۴ تن از امریکایی ها به قتل رسیدند، متهم گردید.

قابل یاددهانی می دانم که هدف تحریرمقاله حاضر را تجزیه و تحلیل سیاست ایالات متحده در افغانستان در شرایط و وضعیت پس از سپتامبر سال ۲۰۰۱ تشکیل می دهد. پژوهش هایی بمتابۀ اهداف مجاز ذیل محسوب می گردد:

وظایف کاری درین عرصه:

- بررسی سیاست ایالات متحده در افغانستان؛
- تلاش های ایالات متحده بمنظور برقراری صلح و ثبات در کشورما؛
- مروری بر جریان انتخابات در افغانستان؛
- سیاست ایالات متحده در آسیای مرکزی پس از ۱۱ سپتامبر.

### سیاست ایالات متحده در افغانستان

در اینمورد قبل از همه یادآور باید شد که حوادث ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱، بلافاصله بر جریان طرح و تطبیق عملی سیاست ایالات متحده در آسیای مرکزی اثرات جدی برجا گذاشت. پس از سال های سال برای نخستین بار در کشور اخیرالذکر، بخش و شعبه مستقلی در مورد بررسی مشکلات و معضلات افغانستان تشکیل گردیده و تا حدود زیادی به اندازه گیری های جدیدی در مورد متوسل گردیدند که بصورت مستقیم و غیرمستقیم و بدرجات مختلفی نه تنها با مشخصات عملی - سیاسی و علمی - تحلیلی بلکه به نحوی از انحا با زیرساخت های سیستم اجتماعی زندگی امریکایی ها در عرصه های تعلیمی، معلوماتی و تبلیغاتی همخوانی داشت.

قابل یادآوری می باشد که حادثه ۱۱ سپتامبر، تعجب خاور شناسان امریکایی در مورد این سوال را برانگیخت که چرا حتی در دروس و آموزه هایی که در پوهنتون های ایالات متحده به خورد دیگران داده می شود، در مورد افغانستان و مسایل مربوط به آن و اینکه سال های سال ایالات متحده امور و مسایل مربوط به کشور ما را به پاکستان، عربستان و دیگران محول نموده، توضیح نداده و حتی افراد و اشخاص بسیاری، بصورت قابل فهمی از واقعیت های موجود آگاه نبوده و تصور مشخصی از حقیقت مسأله ندارند. تذکر این مسأله لازمی بنظر می رسد که تا کنون که کنون است در ایالات متحده تنها مرکز واحدی در پوهنتون محلی یوهاما واقع در ایالت نبراسکا وجود دارد که قبل از همه به بررسی و مطالعه اوضاع و احوال کشور ما اختصاص داده شده است. طی سال ۱۹۸۰ در پوهنتون نامبرده به تربیه و آموزش کادریایی بمنظور آمادگی برای دوره "پسا شوروی" در افغانستان پرداخته، کتب و آثار متعددی در آنجا به چاپ رسیده و بطور غیرمستقیم به کشور ما فرستاده می شد. طی سال ۱۹۹۰ کمک ها و معاونت های دولتی به مرکز متذکره قطع گردید. کاستی هایی در تیلور منافع عمومی ایالات متحده و کمرنگ گردیدن تجلی مصالح اجتماع امریکایی در مورد مشکل افغانستان نمی تواند باین مفهوم تلقی گردد که کار و فعالیتی در این عرصه تکوین پذیرفته است. در شهر پشاور کشور پاکستان با افتتاح دفتر مرکزی مطالعات افغانستان، گردآوری و تجزیه و تحلیل موارد مختلف مربوط به کشور عزیز ما توسط سازمان های غیردولتی صورت می گرفت. نقش مرکزی در مورد متذکره بر عهده دوپره قرار داده شد. اما در حال حاضر در ایالات متحده بصورت منحصر بفردی بر اهمیت و ضرورت بررسی و مطالعه مشکل کنونی کشور ما و مسأله ایجاد و بازسازی مناسب زیرساخت های نهادی تأکید بعمل می آید. مراکز مهم و شناخته شده شرق شناسی،

کار وسیع و همه جانبه ایی را در مورد بررسی و مطالعه چگونگی تکوین حوادث و تراژیدی های موجود در وضعیت کنونی در شرق میانه و شرق نزدیک و از جمله در افغانستان آغاز نموده و به ایجاد دفتر و تدوین برنامه بخصوصی در مورد متذکره اقداماتی صورت گرفت. از جمله یکی هم در پوهنتون هاروارد که سال های سال در آنجا مسأله افغانستان مورد مطالعه و بررسی قرار دارد، اقدامات اینچینی بعمل آمد. اکنون متخصصان و کارشناسان باتجربه در این بخش مشغول و مصروف می باشند. چنین اقامه دعوا می گردد که در دانشکده اداره و مدیریت جان کندی در مورد تهیه و تدوین برنامه های بازسازی افغانستان پس از جنگ نیز اقداماتی در شرف تکوین می باشد.

متذکر باید گردید که حجم مشکلات و معضلات آسیای مرکزی و بصورت اخص کلمه مسأله و مشکل افغانستان و تبلور آنهمه در وسایل اطلاعات جمعی ایالات متحده بصورت قابل توجهی افزایش یافته و شامل برنامه های تلویزیونی نیز گردید، اطلاعات اینچینی نه تنها شامل جنبه های اخباری و تحلیلی بلکه در برگیرنده مسایل آموزشی و تبلیغاتی نیز می باشد. اما کارشناسان امریکایی چنین ادعا می نمایند که مقامات کشورشان، سال های سال اصلاً به مشوره ها و اظهارنظرهای آنها وقعی نگذاشته و در تدوین سیاست خارجی دوره پس از جنگ ویتنام، قبل از همه و بیشتر از سایر موارد، دستیابی به امکانات مالی بیشتر و بیشتر در ارجحیت قرار گرفت. اکنون آنها باور دارند که زمان کنونی بادر نظر داشت ابعاد دیگر سیاست های بین المللی مشخص می گردد. با در نظر داشت مطالب گفته آمده، اصل مسأله بصورت یک کل حاکی از این واقعیت محسوب می گردد که ریسک های خطرناک کنونی ممکن امکاناتی را چه در عرصه سیاست خارجی و چه در بخش و عرصه سیاست داخلی نیز با خود به همراه داشت. کسانی که از واقعیت های آسیای مرکزی و جنوب آسیا آگاهی دارند، در این مورد تأکید می ورزند که بسیاری از کشورها و دول مربوطه بیشترین سعی و تلاش شان را بمنظور دستیابی به منافع و دسترسی به منابع در منطقه آسیای مرکزی معطوف می نمایند، اما ایالات متحده باید از تاریخ آموخته و اشتباهی که اتحادشوروی در افغانستان انجام داد، نباید مجدداً آنرا تکرار نماید: " ترک " منطقه، در مجموع محاسبه اتحادشوروی در افغانستان و سیاست روسیه در چیچین بمثابة نغمه و آهنگ معروفی محسوب می گردد که بخودی خود بحث های جاری از جمله بمیان آمدن اتحاد بین المللی در امر مبارزه علیه تروریسم با ریزرف های قابل توجه مطرح بحث قرار می گیرد. افزایش تلاش بمنظور تحقق واقعیت های موجود چه در عرصه داخلی و چه در عرصه جهانی قادر بدان نیست تا بدبینی ها را تحت الشعاع قرار داده و یا از افزایش آن جلوگیری نموده و یا حداقل در قبال افراط گرایی در ایالات متحده پاسخی ارائه نماید. اما اغلباً بصورت احساسی، عکس العمل توأم با عصبانیت باشندگان ایالات متحده در مورد نتیجه تحقیقات تراژیدی سپتا مبر قابل دقت و تأمل می باشد. در محافل کارشناسان امور و در مجموع در اجتماع امریکایی، بخصوص میان جوانان، اعتراض و مخالفت توأم با طرح انتقادات در مورد سلسله مسایل بنیادی عملاً موجود می باشد. قابل تذکر پنداشته می شود که آنها نه تنها سیاست های جورج دبلیو بوش را بباد انتقاد می گیرند، بلکه باپالیسی

های حاکمیت کنونی نیز در بسیاری موارد موافق نمی باشند. در مقطعات مختلف، توسط روسای جمهور ایالات متحده، بصورت آگاهانه بهانه های گونه گونه مطرح بحث قرار داده شده، روحیه وطنپرستی در آن کشور کشته شده و فعالیت های جنگ طلبانه نیز تداوم بخشیده شد. اما از اقدامات و فعالیت های ضد جنگ توسط سازمان ها و فعالان ضد جنگ و خشونت نیز باید تذکراتی بعمل آورد. از جمله اهالی شهر میدیسن واقع در ایالت ویسکینسین با محکوم نمودن اقدامات تروریستی طی تشکیل و برپایی تظاهرات و تجمعات گسترده صدای اعتراض شان را هرچه رساتر علیه جنگ و جنگ افروزان بگوش جهانیان

رسانیده و شعار می دادند که از کشتار غیرنظامیان باید جلوگیری بعمل آید، آنها همچنان با صدای هرچه رساتر اظهار داشتند که نمی توانند بصورت کورکورانه از اقدامات جنگی و نظامی پشتیبانی بعمل آورده و آنرا چشم بسته مورد تأیید قرار دهند. آنها تروریسم و پیدایش آنرا نتیجه مستقیم عملکرد های سیاست خارجی اداره ایالات متحده محسوب نمودند.

باید بخاطر داشت که جنگجویی و فعالیت ها و عملکرد نظامی ایالات متحده در افغانستان بمثابة جریان و عملیه ستراتیژیک بی درد سر محسوب نگردیده بلکه با عواقب غیر قابل پیشبینی مواجه خواهد گردید. چنانچه بهمگان واضح و مبرهن است انجام فعالیت های جنگی و اقدامات نظامی با سلسله اقدامات و کنش های سیاسی و اقتصادی همراه می باشد. با پیشبرد و انجام اقدامات اینچنینی، اداره ایالات متحده نمی تواند از رفتارهای کلیشه یی قدیمی در سیاست خارجی فرارنموده و خود را از آن استخلاص بخشد، اما رهبری ایالات متحده بصورت زیرکانه و با دقت کامل به برخی متحدانش، از جمله به کشور انگلستان اشاره می نماید. قابل تذکار پنداشته می شود که اقدامات و طرح های ایالات متحده در عرصه های مختلف زندگی و حیات سیاسی بخصوص در قلمرو روابط و مناسبات بین المللی همه و همه ناشی از تکبر آن کشور در قبال کشورهای دیگر و نتیجه عدم موفقیت های پیهم آن در قبال بازسازی کشورهای در حال جنگ بوده و شکست های پیهم دیگری نیز در قبال آنها و متحدان شان دهان باز کرده است.

این موضوع را نباید فراموش نمود که سیاستمداران همواره مورد ارزیابی قرار گرفته و بدنبال بازار یابی بوده اند. کاربرد بازار یابی در سیاست در میان مکتوبات بازار یابی و سیاست بقدر کافی مورد توجه قرار نگرفته است. دانشمندان سیاسی با آنکه بررسی انتخابات در مرکزیت موضوع آنها قرار دارد ولی روی موضوعاتی متمرکز هستند که قدری از امور مبارزان سیاسی دور است. تمرکز آنها بیشتر بر روابط سازمانی، روند قانونی، سیاست عمومی و توضیح علمی پدیده سیاسی و انتخاباتی است و به ستراتیژی های مبارزه و مدیریت کمتر تمایل نشان می دهند. در حقیقت بسیاری از افراد بازار یابی را کم اهمیت و غیر اصولی می بینند. از آنرو که بازار یاب ها، توانایی ترغیب گروه های بزرگی از افراد را دارند، بنابراین می توانند در شناخت سیاست نیز شرکت داشته باشند.

بخاطر باید داشت که مشکلات روبروی مبارزان سیاسی، مشابه به مشکلات مدیران بازار یابی است. هر دو همواره برای حفظ بازار هدف رقابت می نمایند. این مسأله که در بازار یابی سیاسی، شهروندان بمثابة رأی دهندگان، بازار هدف را تشکیل می دهند، اصالت موضوع متذکره را تشکیل داده و بمثابة حقیقت مسلم باید پذیرفته شود.

خصوصیات محصول بازار یابی سیاسی بر سه بخش قابل تقسیم می باشد:

- ماهیت چند مولفه یی (شخص / حزب / ایدئولوژی)؛

- میزان وفاداری کاندیداها به وعده های خود؛

- و این حقیقت که تصمیمات می تواند پس از انتخابات تغییر کند.

آشفته گی و حتی تناقض در میان این مولفه ها، واقعیتی است که در مقطع معین رخ می دهد.

## وضعیت کنونی کشور: موفقیت‌ها و معضلات موجود

قابل تذکر پنداشته می‌شود که بگرام بمثابه بزرگترین و مهمترین پایگاه نظامی استقرار نظامیان امریکایی بمنظور انجام عملیات‌ها در منطقه آسیای مرکزی محسوب می‌گردد که در آن هزاران نظامی ایالات متحده و هم‌پیمانان آن کشور مستقر بودند. در محدوده پایگاه متذکره کاغوش‌های سربازان اعمار گردیده که بیشترین نظامیان را در خود جا می‌دهد، همچنان در آن وسایل تخنیکی پروازها جابجا گردیده و انبار مهمات و سوخت نیز اعمار گردیده است. هرچند بطور مداوم و پیهم این مسأله را یادآور می‌گردند که " آنها آرزومند تحکیم پایه‌های دموکراسی در افغانستان می‌باشند"، اما بنظر می‌رسد که ایالات متحده در نظر دارد تا کشور ما را به پایگاهی بمنظور تطبیق عملی ایده‌ها و نقشه‌های جیوپولیتیکی‌اش مبدل نماید.

امریکایی‌ها دوست دارند به این مسأله تأکید ورزند که آنها بودند که شرایط را بمنظور استقرار زندگی صلح‌آمیز در افغانستان مساعد و مهیا نمودند. اما مطابق آمار و فاکت‌های ارائه شده توسط سازمان‌ها و افراد و اشخاص ذیدخل در قضایای کشور ما، "طالب"‌ها بیش از هر زمان دیگر تجهیز شده، تمویل گردیده و با شدت هرچه تمامتر به فعالیت‌های تخریبکارانه‌شان مبادرت ورزیده و آنرا تداوم می‌بخشند. تصمیم در مورد مسأله زمان بندی و چگونگی تداوم حضور قوت‌های نظامی خارجی، بررسی موجودیت نوع خطرو ضرورت مبارزه علیه تروریسم را وزارت امور خارجه ایالات متحده عهده دار می‌باشد. از آنجاییکه خطر تروریسم در کلیه اشکال آن چنانچه آنها تمایل دارند، باین زودی‌ها رفع شدنی نیست، بنأءاً، موجودیت چنین یک وضعیتی به امریکاییان اجازه می‌دهد تا حضور عملی و موجودیت فزیکتی طولانی مدت‌شان را در منطقه و عمدتاً در کشور عزیز ما الی زمانی که لازمی پنداشته می‌شود تداوم بخشند. نیت امریکایی‌ها بصورت جدی دال بر وسعت بخشیدن ساحه پایگاه‌شان در بیشکیک می‌باشد تا قادر به حمل و انتقال و ارسال محموله‌های‌شان به افغانستان باشند.

با وجود اظهارات خوشبینانه مقامات رسمی امریکایی، وضعیت عمومی کشور گواه این امر می‌باشد که رهبری فعلی (حکومت وحدت ملی) بر شرایط و اوضاع کنونی کشور حاکم نبوده و اصلاً قادر نیست تا بصورت قطع در استقرار اوضاع فعلی موثر واقع گردد. در داخل، حاکمیت کنونی سیاسی از موجودیت اختلافات و ضد و نقیض گویی‌ها در عرصه‌های مختلف حیات سیاسی کشور، در بخش تشکیل و اکمال اردوی ملی، مسأله گروه‌های مسلح غیر مسوول، موجودیت مخالفت‌های اتنیکتی و سمتی، گوناگونی موقف و موضعگیری در مورد کشورهای همجوار، بخصوص درباره نحوه و چگونگی روابط و مناسبات با کشورهای هندوستان و پاکستان رنج می‌برد. عده بسیاری در کشور، حامد کرزی را به دلیل وابستگی‌های افغانستان به ایالات متحده و متحدان مبارزه ضد تروریستی آن کشور و سیاست‌های پاکستان محورش محکوم می‌نمایند. متذکر باید گردید که در بسیاری از مناطق و محلات کشور، عدم ثبات و نا آرامی همراه با موجودیت فقر و بیکاری و انواع فساد، زرع و قاچاق مواد مخدر، عدم دسترسی اهالی کشور به خدمات حداقل و اولیه بهداشتی و ۰۰۰ بیداد می‌کند، در کنار اینهمه، در شمال کشور، گاه ناگاه از برخوردهای خونینی میان دسته بندی‌های نظامی و شبه نظامی گزارش‌های غم‌انگیزی به اطلاع عامه رسانیده می‌شود. تداوم وضعیت کنونی در کشور عواقب غیر منتظره‌ای به دنبال خواهد داشت. تا دیر نشده است، باید جنبید.